

مادر مقتول علیرضا شیرمحمدعلی می گوید: ممنون هستم اگر واقعا رسیدگی شود که بچه من آخرین کسی باشد که اینگونه مظلومانه سلاخی اش می کنند.

دستهای پشت پرده را می خواهم!



مهناز سرابی مادر مرحوم مقتول علیرضا شیرمحمدعلی در خصوص قتل فرزندش سوالاتی دارد و دستهای پشت پرده ای را در کار می داند. می گوید خودش را با قرص اعصاب آرام می کند و پیگیری رسیدگی به پرونده را به وکیل سپرده است.

به گزارش اسپادانا خبر و به نقل از جماران، وی همچنین گفته تا لحظه انجام گفت و گو کسی از طرف رئیس قوه قضائیه با وی ملاقات نکرده است.

*من چون از لحاظ راه رفتن مشکل دارم آقای عرفانیان وکیل علیرضا دنبال پرونده هستند. دیروز با آقای عرفانیان ملاقات داشتم پرونده را دیده بودند. در سایت خواندم که به پرونده علیرضا رسیدگی و به دادسرا فرستاده شد. من یک بار به دادسرا (مجتمع قضایی امام خمینی) رفته ام اما نه قاتلین را دیده ام و نه عوامل پشت پرده را.

*دادخواهی خون بچه من فقط آن دو تا مهره سوخته نیستند. آن دو نفر که باید اعدام شوند چون به غیر از بچه من بی گناه های دیگری را هم کشته اند، اما عوامل پشت پرده ...

*چرا در اتاق این ها باز بود؟ می گفتند موقع هوا خوری در اتاق این ها قفل بوده اما آن موقع در اتاق آنها باز بوده که ببیند اتاق بچه من و او را سلاخی کنند؟ 30-40 ضربه چاقو شوخی نیست.

*همه اش با قرص اعصاب خوابم. با قرص اعصاب خودم را آرام نگه می دارم. همه زندگی ام را از من گرفته اند. من را در جریان روند پرونده علیرضا قرار نمی دهند. آقای عرفانیان وکیل که از ایشان ممنونم دنبال کارهاست. من در جریان نیستم. گفتند فقط انحصار وراثت کنم که ببینم علیرضا مال و ثروتی دارد یا مثلا از خودش کسی یادگار هست یا نه - که البته نیست - تا به بقیه جریان پرونده رسیدگی شود. بیشتر از این در جریان نیستم.

*آقای سیدحسن خمینی تلفنی تماس گرفتند و با هم صحبت کردیم؛ فقط همین.

*ممنون هستم اگر واقعا رسیدگی شود که بچه من آخرین کسی باشد که اینگونه مظلومانه تکه پاره و سلاخی اش می کنند؛ مخصوصا زندان فشافویه.

*فقط این را به گوش آقای رئیسی برسانید که من خونخواه فرزندم هستم. دستهای پشت پرده را می خواهم. چرا رئیس زندان سهل انگاری کرده است؟ آیا افسر نگهبان کلید را به یک زندانی داده است و او در را باز کرده؟! دوربین ها کجا بودند؟ چرا دوربین ها صحنه را نگرفتند؟ وقتی از بچه من هفت دقیقه خون می رفت افسر نگهبان کجا بوده و چرا بعد با یک گارد ویژه آمده؟ چرا جوان 21 ساله من اینگونه باید سلاخی شود؟ به چه حکمی؟ به چه جرمی؟ به چه اعتقاد و عقیده ای؟ ما مسلمانیم. باید مسلمان، مسلمان را اینگونه سلاخی کند و افسر نگهبان نباشد؟ این حق است؟

*فقط به آقای رئیسی بگوئید من دادخواه خون بچه ام هستم. فقط قصاص آرامم می کند. خودم باید چهارپایه را از زیر پایشان بکشم.

برچسب ها: [زندان](#) [1]

[قوه قضائیه](#) [2]